

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۰۵ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

پای ملا هبت الله در کفش شهروندان

هر روز که می‌گذرد دخالت امیر المؤمنین طالبان در حوزه خصوصی شهروندان افزایش می‌یابد. پس از بستن آرایشگاه‌های زنانه، به شمول آرایشگاه‌های خانگی، استفاده زنان بدون چادری از وسایط نقلیه عمومی نیز ممنوع گردیده است. به نظر می‌رسد که هر چه زمان می‌گذرد بر شمار این فرمان‌ها و محدودیت‌ها افزوده می‌شود و عرصه‌های بیش‌تری از زندگی خصوصی شهروندان دستخوش تجاوز امیر طالبان قرار می‌گیرد.

چرا طالبان و به ویژه شیوخ آنان به این پیمانانه دوستدار محدودیت برای زندگی خصوصی شهروندان اند؟ برای این کار چندین انگیزه وجود دارد. نخست ناآشنائی این گروه، به شمول رهبران، با مفهوم حریم خصوصی و حریم عمومی. هنگامی که سواد کسی به درجه‌ای نباشد که فرق این دو حوزه و مقتضیات هر یک را بفهمد، و با چنین سواد اندکی اختیارات یک کشور را در چنگال بگیرد، به خود حق می‌دهد که هر چه را به ذهن قاصرش رسید بر سر مردم بی‌چاره تطبیق کند.

عامل دیگر، برداشت وارونه این گروه از حکومت و دولتی‌داری است. در نظام‌های عادی و متعارف، حاکمان همه وظیفه خود را تلاش برای جلب خشنودی مردم از طرق بهبود زندگی دنیوی‌شان می‌دانند، و امور اخروی را به خود انسان‌ها وامی‌گذارند، زیرا ارزش کارهای اخلاقی و معنوی در انتخاب آزادانه افراد است، و دین‌داری تحمیلی سبب بوچی و بی‌محتوائی آن می‌شود. برای طالبان، بهبود زندگی اخروی شهروندان، بنا بر تفسیر این گروه، بر شرایط زندگی دنیوی‌شان اولویت دارد و تصور می‌کنند که باید همه توان خود را بر پاکسازی جامعه از گناه بگذارند.

عامل سوم برداشت این گروه از گناه است که نه معیاری از فلسفه اخلاق برای آن دارند و نه از فلسفه فقه، و تنها با تکیه سلفی‌مشربانه بر ظاهر برخی روایت‌ها داوری می‌کنند و در نتیجه گناه آرایش‌گری در نظر آنان بسیار بیش‌تر از انتحار، انفجار، شکنجه، دست‌گیری، محاکمه صحرائی و اعدام‌های بی‌رویه است.

عامل دیگری را نیز می‌توان به این ردیف افزود و آن سیاست ریاکارانه چنین رژیم‌هایی است برای بیش از حد اسلامی جلوه دادن خود تا به این بهانه مشروعیتی کاذب برای خویش بتراشند.

دانش اندک و ذهنیت عقب‌مانده البته به تنهایی این همه دردسرساز نیست اگر صلاحیت بی‌حد و حصر و مستبدانه نظام سلطه به آن افزوده نشود. هر گاه سیستمی برای محدودسازی صلاحیت حاکمان وجود نداشته باشد این خود به خود به افسارگسیختگی آنان می‌انجامد و می‌تواند از یک آدم عادی یک دیوانه زنجیری بسازد، چه رسد از کسانی که فلسفه وجودی‌شان را خشونت و کشتار تشکیل می‌دهد.

عامل مهم‌تر دیگری هم وجود دارد که زمینه‌ساز ظهور حاکمان دیکتاتور است و آن این است که هر گاه مردم یک جامعه خوی آزادی را از دست بدهند و به بردگی و زبونی راضی شوند و با هر مصیبت و اجحافی کنار بیایند و رگ غیرت‌شان در برابر ستم و بیداد نجند، استبداد و خودکامگی حاکمان به اوج خود می‌رسد. در چنان وضعیتی است که شلاق زدن، توهین، شکنجه و هر رفتار غیر انسانی در حق مردم از قباحت می‌افتد و به امری نرمال و واقعی تبدیل می‌شود. آنچه امروزه ملا هیت الله می‌کند زاده این وضعیت چند لایه است و این یکی از عوامل فرار بی‌پایان مردم از حاکمیت این گروه و آوارگی‌شان در سراسر دنیاست.